

## جایگاه قلمرو نظریه تقصیر در حقوق ایران با تأکید بر قوانین جزائی

نازنین عباس پور ایکدر<sup>۱</sup>، علیرضا مظلوم رهنی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا این بحث مطرح است که نباید هیچ ضرری بدون جبران باقی بماند از این‌رو مبانی نظری بسیاری در این راستا مطرح شده است از جمله آنها می‌توان به نظریه ایجاد خطر، نظریه مختلط، نظریه تضمین حقوق و نظریه تقصیر اشاره نمود. از این‌رو مقاله حاضر درصدد بررسی جایگاه قلمرو نظریه تقصیر در حقوق ایران با تأکید بر قوانین جزائی است. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که: اولاً؛ تقصیر جزائی عملی است که برای تحقق آن شرایطی لازم است؛ ثانیاً، خطای جزائی از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و عبارت است از رفتاری مبتنی بر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، غفلت و سهل‌انگاری که نتیجه آن اعمال مجازات برای مرتکب آن است؛ ثالثاً، در نظام حقوقی اکثر کشورها از جمله فرانسه در خصوص مباحثی از جمله مسئولیت کارفرما در مقابل کارگر و ... بحث فرض تقصیر پذیرفته شده، اما در حقوق ایران برای احراز این مسئولیت‌ها تقصیر باید به اثبات برسد. نتیجه حاصل شده این است که قانونگذار برای حفظ سلامت جامعه و نظم عمومی مقرر داشته که تخلف از نظامات و مقررات دولتی که موجب ایراد صدمه به دیگران شود، نوعی خطا محسوب می‌شود و مرتکب را در معرض مسئولیت و مجازات قرار می‌دهد که نادیده گرفتن این مقررات به هر دلیل، چنانچه به نتیجه مجرمانه‌ای منتهی گردد موجب خطای کیفی خواهد بود.

واژگان کلیدی: قلمرو، نظریه تقصیر، حقوق ایران، قوانین جزائی، مسئولیت مدنی

nazanin.a58@yahoo.com

<sup>۱</sup> کارشناسی‌ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم

<sup>۲</sup> استادیار، دکتری حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرقدس

## مقدمه

تقصیر مفهومی حقوقی و اخلاقی است که از اخلاق به رشته حقوق نفوذ کرده است، اما پس از نفوذ در زمینه مسئولیت‌های حقوقی، با توجه به تنوع مسائل حقوقی، ویژگی‌های گوناگونی کسب کرده است. اگر قواعد اخلاقی نقض شود، تقصیر اخلاقی است و اگر مقررات قانونی نقض شود، تقصیر قانونی است. تقصیر حقوقی نیز ممکن است جرم‌انگاری شوند یا صرفاً مسئولیت مدنی ایجاد کنند. اما تقصیر در حقوق کیفری به معنای عمومی و براساس اصول حقوق کیفری، تحقق توانایی واگذاری عمل (یا رویداد) به کمیسیون و مسئولیت و در نتیجه تعلق مجازات به او می‌باشد. چه در جرائم عمدی و چه غیرعمدی. با این حال تقصیر به معنای خاص و به معنایی که در فارسی وجود دارد، ناشی از بی‌دقتی، بی‌پروایی و ... (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۰۵۳-۱۰۵۲). در مورد تقصیر کیفری (جزائی) قانونگذار در ماده (۱۷۷) قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ که برگردانی ماده (۳۱۹) قانون جزای فرانسه مصوب ۱۸۱۰ میلادی بود، به ذکر مصادیق رکن روانی در جرائم غیرعمدی اکتفا کرده و در اینباره مقرر شده بود: «در صورتی که قتل غیرعمدی بواسطه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته یا عدم رعایت نظامات دولتی ...» و در این‌باره در قوانین بعد از انقلاب نیز به ذکر مصادیق بسنده شد و در قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ به ترتیب در تبصره ۳ ماده (۲۹۵) و نیز تبصره ماده (۳۳۶)، در اولی بدون استعمال لفظ تقصیر، فقط به ذکر مصادیق تقصیر کیفری (خطای جزائی) و در دومی با ذکر کلمه تقصیر، آن را اعم از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی می‌داند. لازم به ذکر است در تبصره ۳ ماده (۲۹۵) قانون مجازات اسلامی سابق، از عبارت «عدم رعایت مقررات مربوط به امری» و در تبصره ماده (۳۳۶) همان قانون از عبارت «عدم رعایت نظامات دولتی» بعنوان یکی از مصادیق تقصیر استفاده شده است در تبصره ذیل ماده (۱۴۵) قانون مجازات لاحق مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «تقصیر اعم است از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی، مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود». بنابراین می‌توان استدلال نمود که تقصیر کیفری با استناد به مبانی حقوق کیفری، تحقق قابلیت انتساب عمل (یا واقعه) به مرتکب و احراز مسئولیت و در نتیجه، تعلق مجازات به او می‌باشد. احراز تقصیر جزائی منوط و مسبوق است به وجود قدرت فهمیدن و قدرت خواستن چه در جرائم عمدی و چه در جرائم غیرعمدی. بعبارت دیگر خواستن یکی از مولفه‌های رکن روانی و مبنای تقصیر است که اراده ارتکاب نیز گفته می‌شود.

موارد فوق نشان می‌دهد که قاعده تقصیر همواره در قانون ایران انعکاس داشته است و مورد توجه قانونگذار بوده است هرچند که بررسی دقیق آن حاکی از خلاءها و چالش‌های فراوانی در تبیین مصادیق و نحوه اجرای آن در حوزه جزائی است. از این‌رو مقاله حاضر تلاش دارد تا جایگاه تقصیر در حقوق ایران با تأکید بر قوانین

جزائی مورد بررسی قرار دهد بطور کلی مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به تقصیر و جایگاه آن پرداخته‌اند. در مقاله این سوال مطرح است که جایگاه قلمرو نظریه تقصیر در حقوق ایران با تأکید بر قوانین جزائی چگونه است؟ در پاسخ نیز مطرح می‌شود که تقصیر در نظام مسئولیت مدنی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا بعنوان مبانی مسئولیت در پاره‌ای از نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته و براساس آن مسئولیت جبران خسارت برعهده مقصر گذاشته شده است. به لحاظ جدید بودن موضوع تحقیق سعی بر آن است که به زوایای پیدا و پنهان آن پرداخته شود و نیز به جنبه تطبیقی و نقاط قوت و ضعف مقررات مربوطه در خصوص جایگاه و قلمرو نظریه تقصیر و همچنین ارائه راهکارهای حقوقی در جهت برطرف نمودن چالش‌های آن در نظام حقوقی کیفری و جزائی ایران پرداخته شود.

### ۱- مسئولیت مدنی در سیر تاریخی - حقوقی (حقوق فرانسه و انگلیس)

یکی از ویژگی‌های متمایز قانون مدنی، قابلیت اجرای آن از بالا آن در جامعه بطور مستقیم در برابر کسانی است که در مسئولیت‌های خود کوتاهی می‌کنند و به قدرتی که از بالا به پایین در قلمرو حقوق عمومی عمل می‌کند وابسته نیست. در تقویت اجرای آن از بالا مستقیم، مزایایی برای جامعه و دولت وجود دارد. قانون مدنی ۵۹ یک زمینه حقوقی اساسی برای تنظیم عمومی و یک روش مستقیم برای جبران خسارت ناشی از اقدامات غیرقانونی فراهم می‌کند (Raff, 2015: 24).

مسئولیت مدنی تا حد زیادی بخشی از زندگی روزمره است زیرا مسائل مدنی مربوط به شهروندان عادی، حقوق آنها و حمایت از آنها است. در ساده‌ترین عبارت، مسئولیت مدنی به معنای مسئولیت اعمال و اقداماتی است که می‌تواند به دیگران آسیب برساند، اما مجرمانه نیست. مسئولیت مدنی مربوط به مواقعی است که قصد ایجاد ضرر وجود ندارد، اما به هر حال ضرر اتفاق افتاده است. مسئولیت مدنی به شخص این حق را می‌دهد که از شخص دیگری طلب جبران خسارت کند؛ بعنوان مثال توانایی شکایت برای جبران خسارت ناشی از صدمات شخصی را داشته باشد. برای جبران خسارت، شخص زیان دیده باید متحمل خسارت واقعی شده باشد، اعم از صدمات شخصی، خسارت مالی، یا ضرر مالی. نمونه‌ای از این می‌تواند محکومیت یک شرکت به دلیل نقض قوانین ایمنی و بهداشت باشد و به دنبال آن کارمند آسیب دیده از شرکت برای جبران خسارت ناشی از صدمات شخصی شکایت کند (Crabtree, 2019).

در دعوی مدنی، غلبه ادله تمام چیزی است که برای غلبه شاکی لازم است. این یک استاندارد پایین‌تر از «فراتر از یک شک معقول» است. به این معنا که هیأت منصفه فقط باید باور کند که شواهد کافی برای

انحراف کفه ترازو به نفع شاکی یا متهم وجود دارد. طرف بازنده می‌تواند در دعوی مدنی از حکم تجدیدنظر کند، در حالیکه در یک موضوع کیفری فقط متهم می‌تواند نسبت به محکومیت تجدیدنظر کند. در امور کیفری، معمولاً این دولت است که متهم را نزد یک قاضی یا یک هیأت منصفه در دادگاه حکومتی تحت تعقیب قرار می‌دهد. فرض اساسی در مسئولیت کیفری این است که جرم هم عنصر روانی و هم عنصر مادی دارد و بار اثبات برای جرائم کیفری «فرا تر از شک منطقی» است (Ross, 2018: 23-24).

هر فردی بعنوان موضوع قانون مدنی، طبق قانون، از حقوق ذهنی مدنی خود برخوردار است، با این تعهد که به همنوعان خود آسیبی وارد نکند. برخلاف حقوق کیفری که تنها اصل مسئولیت شخصی در قبال فعل شخصی را می‌شناسد، نظام حقوق مدنی اصل مسئولیت نیابتی را به رسمیت می‌شناسد. در این صورت، تکلیف جبران خسارت در تکلیف اشخاص دیگری غیر از مرتکب تعیین می‌شود (Costache, 2015: 301). این موضوع در حقوق فرانسه نیز بازتاب پیدا نموده است زمانی که قانون مدنی فرانسه در سال ۱۸۰۴ معرفی شد، مسئولیت مدنی تا حد زیادی الهام گرفته از ایده پیوند قوی بین مسئولیت و وظیفه اخلاقی بود و این در عبارت ماده (۱۳۸۲) که تقصیر را بعنوان معیار اصلی مسئولیت مدنی تعیین می‌کرد، منعکس شد. این در تضاد با قانون مسئولیت مدنی امروزی فرانسه است که تحت سلطه «ایدئولوژی جبران خسارت» است. اهمیتی که به همبستگی اجتماعی در مسئولیت مدنی و جبران خسارت نسبت داده می‌شود که در حقوق معاصر فرانسه می‌بینیم، از اواخر قرن نوزدهم با افزایش حوادث ناشی از صنعتی شدن و توسعه بیمه مسئولیت که توسط حقوقدانان بعنوان وسیله‌ای برای تضمین جمع‌آوری ریسک از طریق قوانین مسئولیت مدنی تلقی می‌شد، توسعه یافت. در سال ۱۸۹۸ مسئولیت برای کارفرمایان برای حوادث ناشی از کار تحمیل شد. تعداد قابل توجهی از رژیم‌های قانونی بدون تقصیر در فرانسه دنبال شد. قابل توجه‌ترین در این سری از اصلاحات قانونی احتمالاً طرح ترافیک بود که در سال ۱۹۸۵ معرفی شد. در تعدادی از طرح‌های دیگر، دولت خود بار مالی جبران خسارت حادثه را برعهده گرفته است. طرح حل و فصل خارج از دادگاه برای حوادث پزشکی جلوه دیگری از این سنت تسهیل پرداخت غرامت برای دسته خاصی از قربانیان حادثه از طریق مداخله قانونی است. روشی که دادگاه‌های فرانسه قوانین مسئولیت را تطبیق داده‌اند، دلیلی بر همین تمایل برای تسهیل پرداخت غرامت به قربانیان حادثه بعنوان مکانیزم همبستگی اجتماعی و توزیع خسارت است. معروف‌ترین مثال، ایجاد مسئولیت اکید در قبال خسارت ناشی از اشیاء براساس ماده (۱۳۸۴) قانون مدنی است که مجدداً در همان چارچوب پس از انقلاب صنعتی از اواخر قرن نوزدهم توسعه یافت. به همین ترتیب، ما دیدیم که چگونه، بویژه از دهه ۱۹۹۰، دادگاه‌ها نیز تمایل خود را به نفع جمعی کردن خطر بعنوان مبنای توزیع ضرر در زمینه جبران حوادث پزشکی نشان دادند (Taylor, 2015: 61-62).

به نظر می‌رسد که این مورد در مورد قضاوت فرانسوی است که نقش اصلی را در توسعه مسئولیت مدنی فرانسه و بطور خاص‌تر، قانون مسئولیت حوادث پزشکی ایفا کرده‌اند. همچنین، نویسندگان دکترینال فرانسوی، که تأثیر قابل توجهی بر توسعه حقوقی دارند، در کل فلسفه مشابهی دارند که طرفدار قوانین قربانی دوستانه است. علاوه بر این، دانشگاهیان فرانسوی نقش بسزایی در شکل دادن به قانون داشته‌اند. یکی از توضیح‌های سنت قوانین مسئولیت «دوستانه قربانیان» در فرانسه را می‌توان در مشارکت قوی برخی از نویسندگان معتقد به نفع استفاده از مسئولیت مدنی بعنوان ابزاری برای همبستگی اجتماعی یافت (Taylor, 2015: 67-70).

قانون فرانسه در مورد جرم یا مسئولیت خارج از قرارداد بطور گسترده‌ای استثنایی تلقی می‌شود. برای مدت طولانی فقط براساس پنج ماده از قانون مدنی ۱۸۰۴ بود، اما دادگاه‌ها و علمای حقوق بر این اساس مسئولیت‌هایی در قبال تقصیر و مسئولیت شدید با وسعت و اهمیت فوق‌العاده‌ای ایجاد کردند. در حالیکه بقیه قوانین کلی تعهدات (از جمله قراردادها) در قانون مدنی در سال ۲۰۱۶ توسط آئین‌نامه اجرایی اصلاح شد، این حوزه کنار گذاشته شد و موضوع پیشنهاد دولت فرانسه در سال ۲۰۱۷ برای اصلاح قانونگذاری. مسئولیت مدنی، یک مقوله قانونی جدید که شامل مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد می‌شود، بود. فرانسه در حال بازنویسی قانون خصوصی تعهدات خود است. در سال ۲۰۱۶، قانون قراردادها، رژیم کلی حاکم بر تعهدات و قانون اثبات تعهدات توسط دولت فرانسه اصلاح شد - و این قانون همانطور که ابلاغ و لازم‌الاجرا شد در سال ۲۰۱۸ مشمول اصلاحات انگشت شماری در تصویب آن شد. پارلمان فرانسه در مارس ۲۰۱۷، وزارت دادگستری فرانسه پیشنویس لایحه‌ای را برای اصلاح «مسئولیت مدنی» منتشر کرد که برای این منظور مسئولیت عدم اجرای قرارداد و مهم‌ترین دلایل «مسئولیت فراقراردادی» را گردآوری کرد. برای یک وکیل انگلیسی، برخی از مقررات دارای وسعت شگفت‌انگیزی هستند، بویژه، ماده (۱۲۴۱) که می‌گوید: «شخص مسئول آسیب ناشی از تقصیر خود است». براساس ماده (۱۲۴۲)، «خطا» به این صورت تعریف شده است: «تخطی از یک الزام قانونی یا کوتاهی در وظیفه عمومی مراقبت یا اهتمام به منزله تقصیر است» (Borghetti & Whittaker, 2019: 3-5).

در انگلیس رایج‌ترین رژیم مسئولیت، مسولیت مدنی است. در حالیکه مسئولیت کیفری بعنوان یک ابزار قضایی استفاده می‌شود، مسئولیت مدنی در نظر گرفته شده است که دامنه وسیع‌تری داشته باشد و به راحتی قابل اجرا باشد. براساس مسئولیت مدنی، هم عوامل خصوصی و هم عمومی می‌توانند پاسخگو باشند. مسئولیت بدون تقصیر پس از انقلاب صنعتی بعنوان یک مفهوم حقوقی مطرح شد. گسترش ماشین‌های جدید، کارخانه‌های صنعتی و فن‌آوری‌های مشابه با ریسک‌های بالا منجر به افزایش آسیب‌هایی شد که هیچ تقصیری مستقیم برای آن وجود نداشت. با این حال، افرادی که از حوادث صنعتی متحمل خسارت می‌شدند، نیاز به

غرامت داشتند. شرکت‌ها با افزایش کارایی و درآمد، از انقلاب صنعتی بهره زیادی برده بودند. با وجود این، بین سودهایی که آنها به دست آوردند و تأثیرات منفی آنها بر جامعه اطرافشان ناهماهنگی وجود داشت. بنابراین مسئولیت بدون تقصیر به وجود آمد تا هنگامی که مشکلی پیش می‌آید بار مسئولیت را بر دوش کسانی بنماید که به نظر معقول می‌آید که آنها را مسئول بدانیم (Altunyaliz, 2021: 11).

جرائم خطا هستند، و دعاوی ارتکاب جرم به ادعای تخلف تبدیل می‌شود. با این حال، قانون جرم تخلف را بگونه‌ای تعریف می‌کند که امکان تحمیل مسئولیت را حتی برای بازیگرانی که با دقت یا دقت معقول انجام می‌دهند را ممکن می‌سازد. این جنبه از قانون جرم همان چیزی است که ما از آن بعنوان «مسئولیت اکید ناشی از تقصیر» یاد می‌کنیم. جرائم خاص به شیوه‌ای نیز تعریف می‌شوند - کیفیتی که گاهی با ارجاع به «عینیت» استانداردهای رفتاری که آنها تعیین می‌کنند بیان می‌شود. بعد عینی جرائم مشابه معمولاً نشان دهنده پذیرش مسئولیت فراتر از تخلف است. اما این درک اشتباه است. بطور قاطع، مسئولیت جرم بطور همزمان مبتنی بر اشتباه و سختگیرانه است. با این حال، مسلماً گوشه کوچکی از قانون جرم وجود دارد که نوعی مسئولیت سخت را به رسمیت می‌شناسد که به هیچ وجه مستلزم تخلف نیست (Goldberg & Zipursky, 2016: 753-757).

در پایان قرن بیستم، و پس از یک سلسله طولانی از رویه قضایی متضاد، این سوال در مورد اساس مسئولیت در مزاحمت حل شد: در اسکاتلند، خسارت فقط با اثبات تقصیر اعطا می‌شود. تقصیر، به نوبه خود، می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد: سوء نیت، قصد، بی‌احتیاطی، سهل‌انگاری، و رفتاری که باعث ایجاد خطر ویژه آسیب غیرعادی می‌شود. با این حال، بسیاری از جنبه‌های این تصویر به ظاهر واضح همچنان مشکل‌ساز هستند. از یکسو، روشی که در آن این مدل تفسیر و اعمال می‌شود، جای خود را به اشکال خاصی از مسئولیت می‌دهد که در واقع می‌توان آنها را سخت توصیف کرد. از سوی دیگر، دو حوزه دیگر از قانون همسایگان که با دامنه مزاحمت همپوشانی دارند، بطور کامل با این مدل همپوشانی ندارند، یعنی تنظیم اختلافات بر سر استفاده از آب و مواردی که ناشی از لغو حمایت‌هاست (Gatica Rodríguez, 2017).

از زمانی که اصل «نزدیکی» بعنوان اصل سازمان دهنده پرونده‌های جدید کنار گذاشته شد، دادگاه عالی بریتانیا از ابزار احکام کلان در رابطه با پرونده‌های قصور اجتناب کرده است؛ این مساله بویژه درباره پرونده‌هایی که مربوط به قصور مقامات دولتی می‌شود صدق می‌کند. پرونده‌های این چنینی بعنوان مقوله‌ای از مشکلات تلقی می‌شوند اما راه‌حل‌های کمی برای آنها اندیشیده شده است. مجلس اعیان بریتانیا کمتر درگیر این مساله است و تنها زمانی که با پرونده‌های قصور مبتنی بر این موضوع که چه چیزی منصفانه، عادلانه و معقول است، مواجه شود با بحث‌های مربوط به این حوزه درگیر می‌شود (Aronson, 2008: 45-46).

## ۲- مسئولیت تقصیری

مسئولیت تقصیری براساس نقض التزامی است که به موجب قانون تعیین شده است. فرضیه این مسئولیت این است که بین بدهکار و طلبکار هیچ رابطه‌ای وجود نداشته باشد (نبیل سعد، ۲۰۱۹: ۳۷۴). بنابراین، مسئولیت تقصیری همان نظام مسئولیت عمومی است که با تقصیر مدنی ارتكابی یک شخص علیه شخص ثالث مطابقت می‌کند. اگرچه بین نظام‌های انگلیسی (انگلکسونی) و حقوق مدنی تفاوت وجود دارد (Benhamou, 2020: 4)، براساس نظام مسئولیت تقصیری، برای اینکه شخص متضرر مستحق دریافت جبران خسارت باشد، بایستی که تقصیر و ضرر، و رابطه سببیت بین آنها را اثبات کند بنابراین مقدمه می‌توان بیان داشت که نظریه تقصیر یک نظریه حقوقی است که باید قبل از اینکه بتوانید شخص یا شرکتی را از نظر قانونی مسئول آسیبی که متحمل شده‌اید ثابت کنید. اثبات سهل‌انگاری در اکثر دعاوی ناشی از تصادفات یا جراحات، مانند تصادفات رانندگی یا موارد «لغزش و سقوط» الزامی است. دعاوی سهل‌انگاری باید چهار چیز را در دادگاه ثابت کند: وظیفه، تخلف، سببیت و خسارت/ضرر. بطور کلی، زمانی که شخصی با بی‌احتیاطی عمل می‌کند و باعث صدمه به دیگری می‌شود، براساس اصل قانونی «سهل‌انگاری» شخص بی‌احتیاطی در قبال ضرر و زیان ناشی از آن مسئولیت قانونی خواهد داشت. این مبنا برای ارزیابی و تعیین تقصیر در اکثر اختلافات مربوط به تصادف یا جراحات، در خلال مذاکرات حل و فصل غیررسمی و از طریق محاکمه در ۶۳ دعاوی آسیب شخصی استفاده می‌شود. برای برنده شدن در پرونده سهل‌انگاری، شاکی (شخص آسیب دیده) باید چهار عنصر زیر را ثابت کند تا نشان دهد که متهم (فردی که گفته می‌شود مقصر است) سهل‌انگاری کرده است:

۱) تکلیف: هنگام ارزیابی یک ادعای سهل‌انگاری یا تقصیر، اولین قدم این است که ببینیم آیا متهم وظیفه قانونی مراقبت از شاکی را داشته است یا خیر. در برخی شرایط، رابطه بین شاکی و متهم ممکن است یک وظیفه قانونی ایجاد کند - بعنوان مثال، یک پزشک وظیفه قانونی نسبت به بیمار دارد که مراقبت‌های پزشکی شایسته‌ای را به او ارائه دهد. یا ممکن است مدعی علیه شاکی موظف باشد که در موقعیتی خاص با دقت معقول عمل کند - مانند زمانی که از شخص انتظار می‌رود که وسیله نقلیه موتوری را ایمن و با سطح معینی از مراقبت لازم اداره کند.

۲) تخلف: در مرحله بعد، دادگاه بررسی خواهد کرد که آیا متهم با انجام (یا انجام ندادن کاری) این وظیفه را نقض کرده است که یک «فرد منطقی محتاط» در شرایط مشابه انجام می‌دهد. اصطلاح «شخص منطقی محتاط» به یک استاندارد قانونی اشاره دارد که نشان می‌دهد یک فرد معمولی چگونه مسئولانه در یک موقعیت خاص عمل می‌کند.

۳) سببیت: عنصر سوم ایجاب می‌کند که شاکی نشان دهد که قصور متهم در واقع باعث جراحت او شده است. مطمئناً، ممکن است شخصی سهل‌انگاری کرده باشد، اما شاکی تنها در صورتی می‌تواند مدعی باشد که این سهل‌انگاری بنحوی باعث آسیب شود. جنبه دیگری از این عنصر به این موضوع می‌پردازد که آیا متهم می‌توانسته بطور منطقی پیش‌بینی کند که اقدامات او ممکن است باعث آسیب شود. اگر اقدامات متهم بنحوی باعث آسیب شاکی از طریق یک عمل تصادفی و غیرمنتظره شود، آسیب به احتمال زیاد غیرقابل پیش‌بینی تلقی می‌شود و احتمالاً متهم مسئول شناخته نمی‌شود.

۴) خسارات: عنصر نهایی پرونده قصور، «خسارت» است. این عنصر مستلزم آن است که دادگاه بتواند خسارت شاکی را معمولاً از طریق گرامت پولی برای هزینه‌هایی مانند مراقبت‌های پزشکی یا تعمیر اموال جبران کند (Findlaw, 2019 : 2-9).

جرائم بر دو قسم است: عمد و از روی سهل‌انگاری یا تقصیر. جرائم عمدی اعمال بدی هستند که عمداً برای آسیب رساندن به کسی انجام می‌شود. اما، تقصیر و سهل‌انگاری ناشی از بی‌احتیاطی فرد است، نه اینکه او قصد انجام کار نادرست را داشته باشد. بعنوان مثال، راننده‌ای که در حین صحبت با تلفن همراه حواسش پرت می‌شود، قصد ندارد با ماشین مقابلش برخورد کند بلکه به خاطر بی‌احتیاطی به ماشین جلویی می‌زند. دعای آسیب شخصی معمولاً براساس تئوری تقصیر است؛ تقصیر عبارت است از کوتاهی شخص یا شرکت در استفاده از مراقبت معقول، که منجر به آسیب یا زیان به دیگری می‌شود. اساساً زمانی است که شخص دیگری با انجام ندادن کاری که قرار است انجام دهد به شما صدمه می‌زند. هنگامی که این اتفاق می‌افتد، ممکن است بتوانید ادعای آسیب شخصی را در دادگاه مطرح کنید (Hayes & LLC, 2015).

سهل‌انگاری تنها در اواخر قرن هجدهم مبنایی برای مسئولیت شد و بنابراین تنها از آن دوره به بعد بود که انکار ادعای مبتنی بر سهل‌انگاری مشارکتی ممکن شد. با این وجود مواردی وجود دارد که به پذیرش زودهنگام آن اشاره می‌کند.

مرتبط بودن سهل‌انگاری (سهامی) در قبال مسئولیت یا حداقل بیانگر اصلاح دکترین قدیمی از نظر سهل‌انگاری است. اینها در قرن ۱۶ و ۱۷ رخ می‌دهد، زمانی که مفهوم سهل‌انگاری، بعنوان زمینه‌ای برای مسئولیت، راه خود را به قانون عرفی تبدیل کرد. در برخی از این موارد، دادگاه‌ها با در نظر گرفتن عنصر قصور، یعنی با رد دعوی، به دلیل سهل‌انگاری خود زیان دیده، قصور ناشی از آن را حل کردند. مفهوم سهل‌انگاری بعنوان یک زمینه مستقل برای مسئولیت در قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ شکل گرفت (Van Dongen & Verdam, 2016: 335-336). در راستای نظریه تقصیر می‌توان بیان داشت که در فرانسه، ماده (۱۲۴۲) قانون مدنی فرانسه که با دستور شماره ۱۳۱ سال ۲۰۱۶ صادر شده و با مطابق با ماده (۱۷۸) قانون مدنی مصر است، تصریح می‌کند که شخص نه تنها مسئول خسارات ناشی از عمل شخصی خود است، بلکه در قبال خسارات



ناشی از عمل اشخاصی که با او هستند و یا چیزهایی که در اختیار اوست نیز مسئول خواهد بود (Brossollet et al, 2019: 3).

اما با این حال این نظریه نتوانست پاسخگوی بسیاری از مسائل باشد چراکه نظریه تقصیر متأثر از ملاحظات اخلاقی، وجدان عمومی و حقوق فطری است که شخص را بدون ارتکاب تقصیر از مسئولیت مبری می‌دانند. مطابق این ملاحظات اخلاقی شرط تحقق مسئولیت فرد برای جبران ضرر، وجود رابطه علیت بین تقصیر و ضرر بوده و اثبات تقصیر منوط به احراز قابل انتساب بودن زیان وارده به فعل مرتکب می‌باشد. چراکه اخلاق زیربنای قواعد حقوقی است لزوم جبران خسارت را فقط در صورت اثبات تقصیر مرتکب جایز شمرده و خلاف آن را مغایر عدالت می‌داند. بعبارت دیگر اخلاق و عدالت برقراری مسئولیت را بدون ارتکاب تقصیر تجویز نمی‌کند و آن را مترادف بی‌عدالتی و به مثابه کیفر بی‌گناه تلقی نماید. بر مبنای این نظر شرط استحقاق زیان دیده برای مطالبه خسارت، اثبات تقصیر مرتکب در ایراد ضرر است.

### ۳- نظریه خطر

بحث در معنای امروزی آن نظریه خطر اولین بار در شکل رسمی آن توسط جاستیس کاردوزو در پرونده پالسرگراف علیه لانگ‌ایلند بکار برده شد که در آن علیرغم ارتباط علی مستقیم بین اعمال متهم و آسیب رساندن به شاکی، مسئول شناخته نشد. این نظریه فرض می‌کند که در مواردی که به آن اعمال می‌شود، مسئولیت به تقصیری در رفتار متهم بستگی دارد. و سعی نمی‌کند راهی برای پاسخ به اینکه آیا رفتار متهم علت واقعی آسیب مورد شکایت بوده است ارائه دهد. نظریه خطر به خودی خود محدود به سنجیدن عوامل زیر است:

- یک مرد معقول در موقعیت متهم چه چیزی را بعنوان احتمال آسیب رساندن به منافع حمایت شده شاکی در نظر می‌گرفت؛

- یک مرد معقول در موقعیت متهم چه میزان آسیبی را که در صورت رسیدن خطر به خسارت وارد می‌شود، تصور می‌کرد؛

- فایده اجتماعی رفتار متهم؛

- هزینه اجتماعی اجتناب از خطر با روش‌های جایگزین.

اگر، نتیجه این ملاحظات به نفع شاکی باشد و رفتار مدعی علیه علت واقعی صدمه به منافی باشد که در نتیجه به خطر افتاده است، مسئولیت باید دنبال شود.

طرفداران نظریه خطر ادعا نمی‌کنند که این نظریه جایگزین یک فرمول دقیق ریاضی برای وظیفه قضاوت ارزشی در مورد پرونده‌های پیش‌روی قاضی و هیأت منصفه می‌شود. هر یک از عواملی که باید در نظر گرفته شوند حاوی یک عنصر اخلاقی هستند و مقایسه همه عوامل مستلزم انتخاب بیشتر است. مزایایی که برای آن ادعا می‌شود، اولاً، مزایای ماهوی است، زیرا میزان مسئولیت قصور را به دلیل ایجاد چنین مسئولیتی مرتبط می‌کند و روابط نامربوطی مانند «حریم» و نزدیکی در زمان و مکان را حذف می‌کند. از جنبه رویه‌ای، نظریه ریسک ظاهراً این امکان را برای قاضی فراهم می‌آورد که ساده‌تر و واضح‌تر از آنچه می‌تواند تحت آزمون‌های «بطور افسانه‌ای طولانی و غیرعملی» فرمول‌های علت تقریبی به هیأت منصفه دستور دهد. زمانی ادعا می‌شد که همانطور که در پرونده پالسگراف بیان شد، دکترین ریسک به معنای تلاش دادگاه برای غصب وظایف سنتی هیأت منصفه با جذب آنها در مفهوم «وظیفه» است، که همیشه وظیفه دادگاه بوده است. چنین روندی تحقق نیافته است: هم تحت عنوان علت تقریبی و هم تئوری‌های خطر، دادگاه‌ها گهگاه افراط کرده‌اند. در هر صورت، نظریه خطر باید آزادی عمل بیشتر و نه کمتری را به قضاوت هیأت منصفه بدهد. اول، تعداد متغیرهایی را افزایش می‌دهد که توجه هیأت منصفه به آنها معطوف می‌شود و در نتیجه این احتمال را افزایش می‌دهد که تصمیمات افراطی در مورد برخی از این متغیرها توسط برخی دیگر جبران شود، بطوریکه ترکیب در محدوده‌ای قرار می‌گیرد که قاضی تحمل می‌کند. دوم، فرمول‌های به ظاهر دقیقی مانند «مواد بسیار خطرناک» را حذف می‌کند. نظریه خطر علی‌رغم جذابیت‌هایش، پس از پرونده پالسگراف، تأیید قضایی کندی را دریافت کرده است.

در نظریه خطر نقش دو مولفه فعالیت و مالکیت عامل ایجاد زیان پررنگ است؛ به این معنا که هر کس که در اثر فعالیت سودآور خود خطرهایی ایجاد می‌کند و موجب زیان دیدگی سایرین می‌شود، مسئول و ملزم به جبران خسارت‌های وارده است. براساس این نظریه، اگر در اثر عمل سودآور شخص یا اشخاص وابسته به او یا اشیاء تحت تصرف یا مالکیت او خسارتی به دیگران وارد شود، عامل زیان مسئول و ملزم به جبران آن است؛ مگر اینکه بتواند خلاف آن را ثابت نماید. یعنی برخلاف نظریه تقصیر که اثبات تقصیر به عهده زیان‌دیده بود در این نظریه اصل بر مسئول بودن عامل زیان است و اثبات خلاف آن نیز به عهده خود اوست.

#### ۴- انواع تقصیر کیفری

تقصیر یا خطای کیفری به موجب تبصره ماده (۳۳۶) ق.م.ا، عبارت است از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی، اگرچه قانونگذار خطای کیفری را به چهار دسته تقسیم کرده است، اما همه این عناوین حاکی از یک حالت روانی است و آن غفلت یا عدم پیش‌بینی رویدادی است که مرتکب می‌توانست با کمی تأمل از آن اجتناب کند. اگرچه همه این رفتارها در طبیعت رایج است و تأثیر حقوقی

واحدی بر آن دارد، اما هر کدام را از آنجا توصیف می‌کنیم که دادگاه‌ها موظفند نوع خطای فرد را در هر مورد تعیین کنند.

#### ۱-۴- بی‌احتیاطی

در حقوق ایران از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی تعریف قانونی صورت نگرفته و تنها در تبصره ماده (۸) قانون اخلاط‌گران در صنایع نفت بیان شده است: «منظور از بی‌مبالاتی اقدام به امری است که مرتکب نمی‌بایست به آن مبادرت نموده باشد و منظور از غفلت خودداری از امری است که مرتکب می‌بایست به آن اقدام نموده باشد اعم از اینکه منشأ بی‌مبالاتی یا غفلت عدم اطلاع و عدم مهارت یا عدم تجربه یا عدم رعایت قانون یا مقررات یا اوامر یا نظامات و یا عرف و عادت باشد».

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز در تبصره ماده (۱۴۵) تنها مصادیق بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی را ذکر کرده و «مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن» را از مصادیق این دو شمرده است. بنابراین، با پذیرش این تعاریف که تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی بدان معناست که فرد می‌بایست کاری را که انسان معقول و معمول انجام دهد یا انجام ندهد، حسب مورد ترک کرده یا انجام داده (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۳۵۸)، مرز بین تقصیر که سازنده جرائم غیر عمد است و علم به وقوع نتیجه در معنای احتمال بالای وقوع نتیجه مشخص نمی‌شود. ممکن است گفته شود در جرائم تقصیری، ماهیت رفتار مباح بوده یا در حد تخلف است و از این رو مرتکب از اساس نمی‌تواند از نتیجه آگاهی داشته باشد، ولی در جرائم عمدی، ماهیت رفتار مرتکب مجرمانه است و به سبب طبع این رفتار، می‌توانسته آگاه شود که به احتمال زیاد رفتارش به نتیجه می‌انجامد، با این حال ماهیت رفتار، سنجش برای جداسازی بزه‌های غیر عمدی و عمدی مقید است، به این صورت که در بزه‌های غیر عمدی اصل بر مباح بودن رفتار است که نتیجه به آن وصف مجرمانه می‌دهد، ولی بزه‌های عمدی مقید اصل بر غیر مجاز یا غیر قانونی بودن رفتار است و نتیجه مکمل وصف مجرمانه است. در انجام رفتار هر دو، مرتکب عاقد است، ولی در بزه‌های غیر عمدی، نتیجه پیامد ناآگاهی مرتکب است، ولی در بزه‌های عمدی، پیرو آگاهی وی، ولی این تفکیک ممکن است در عمل با چالش همراه باشد (یکرنگی و عالی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

#### ۲-۴- بی‌مبالاتی

در نظام حقوقی ایران، هیچگونه تفکیک و تمایزی بین اجزای متشکله خطا بعنوان عنصر روانی جرائم غیر عمدی دیده نمی‌شود. در قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی به مصادیقی از خطا شامل بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت مقررات مربوط به امری و مانند آن اشاره شده است. از جمله این مواد

می‌توان به تبصره ۳ ماده (۲۹۵) و ماده (۶۱۶) قانون مجازات اسلامی اشاره نمود. در ماده (۱۴۴) قانون مجازات ۱۳۹۲ آمده است: «تحقق جرائم غیر عمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب است...» و در تبصره ذیل این ماده مقرر شده که: «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود» (منتی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۹). در ایران، معیار پذیرفته شده برای سنجش رفتار مرتکب، همانند سایر مصادیق خطا نظیر بی‌احتیاطی، معیار نوعی است. در نظام حقوقی ایران، با سکوت قانون، رویه قضایی ایران معیار احراز خطا را معیار نوعی دانسته است و در این زمینه بر نقش عرف و عادت بعنوان عنصر مقوم معیار نوعی تأکید و تصریح شده است.

#### ۴-۳- عدم مهارت

نداشتن توانایی جسمانی و روانی در انجام دادن کاری که حسن انجام آن مستلزم توانایی‌های مذکور است (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۴۹) یا بعبارت دیگر می‌توان بیان داشت که یکی از مصادیق خطای جزائی، عدم مهارت است که گاهی با بی‌احتیاطی قابل انطباق است. مهارت عبارت است از تسلط و چیرگی مادی و معنوی فرد بر اصول و ظرایف عملی که قصد انجام آن را دارد. عدم مهارت ممکن است مادی باشد یا معنوی - عدم مهارت مادی یا بدنی، نداشتن چابکی و تردستی و ورزشی و تمرین کافی در اموری است که حسن انجام آنها مستلزم توانایی خاص می‌باشد. مانند رانندگی یا تیراندازی و نظایر آنها (مرادی، ۱۳۹۰: ۵۵). عدم مهارت مادی یا بدنی، نداشتن ورزشی و تمرین کافی در اموری است که انجام آن مستلزم یادگیری و تمرین است. عدم مهارت معنوی شامل عدم آگاهی مطلق یا نسبی در شغل و حرفه مربوط است مثل پزشک عمومی که به جای هدایت بیمار به نزد جراح، خود مبادرت به جراحی نماید.

۶۸

#### ۴-۴- عدم رعایت نظامات دولتی

مراد از نظامات دولتی، کلیه قواعد و مقرراتی است که از طرف مقامات صلاحیت‌دار به صورت قانون، تصویب-نامه، آئین‌نامه یا دستور الزامی صادر می‌شود و اشخاص مکلف به رعایت آن هستند قانونگذار برای حفظ سلامت جامعه و نظم عمومی مقرر داشته که تخلف از نظامات و مقررات دولتی که موجب ایراد صدمه به دیگران شود، نیز نوعی خطا محسوب می‌شود و مرتکب را در معرض مسئولیت و مجازات قرار می‌دهد. نادیده گرفتن این مقررات به هر دلیل، چنانچه به نتیجه مجرمانه‌ای منتهی گردد موجب خطای کیفری خواهد بود. بعنوان مثال راننده‌ای که بدون توجه به تابلوی ورود ممنوع وارد کوچه‌ای می‌شود و با اتومبیلی که از طرف دیگر وارد کوچه شده است، تصادف می‌نماید، این راننده مقصر خواهد بود زیرا عدم رعایت آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی موجب بروز این حادثه شده است. نقض این مقررات حتی اگر نتیجه‌ای در بر نداشته باشد بعنوان

تخلف قابل تعقیب خواهد بود. تشخیص عدم رعایت نظامات دولتی با عرف نبوده بلکه زمانی که دادگاه این امر را احراز نماید، مرتکب خطاکار و مقصر شناخته می‌شود.

#### ۴-۵- انگیزه یا داعی

داعی یا انگیزه شامل نفع یا ذوق یا احساسی که بزهکار را به طرف ارتکاب جرم می‌کشاند، اصولاً در تحقق جرم تأثیری ندارد. ولی وجود آن در هر جرمی متغیر و متنوع است و کیفیت آن ممکن است فقط موجب یا تخفیف مجازات گردد. انگیزه و سوءنیت دو پدیده روانی متفاوت هستند که در طول یکدیگر قرار دارند؛ یعنی ابتدا انگیزه ارتکاب جرم در ذهن مجرم نقش می‌بندد و او برای اینکه به انگیزه خود جامه عمل بپوشاند قصد ارتکاب جرم می‌کند. بنابراین، سوءنیت در هر جرمی یک چیز بیشتر نیست، اما انگیزه آن ممکن است متفاوت باشد، همانگونه که مرتکبان آن جرم متفاوت هستند و حتی یک مرتکب ممکن است در دفعات مختلف انگیزه‌های مختلفی داشته باشد مثلاً استیلائی نامشروع بر ملک دیگری که از سوی شهرداری و با انگیزه عمران شهر است و گاهی با انگیزه دارا شدن نامشروع از سوی افراد عادی است که با یکدیگر تفاوت دارند؛ اما در هر دو مورد، یک سوءنیت و قصد مجرمانه بیشتر وجود ندارد که همان قصد تصرف ملک دیگری است. درست است که انگیزه جزء ارکان جرم نیست و اصل بر آن است که تأثیری در مسئولیت مرتکب نداشته باشد، اما نمی‌توان به کلی آن را فاقد تأثیر دانست؛ مثلاً شخصی که برای فقر و ناتوانی از پرداخت نفقه فرزند، مبادرت به سقط جنین خود می‌کند، هرگز نباید مانند شخصی مجازات شود که برای مخفی نگه داشتن عمل ناشایست‌اش زنا دست به این عمل ممنوع می‌زند (زراعت، ۱۳۸۳: ۱۵).

بر همین اساس است که بر اصل عدم تأثیر داعی در تقصیر و مسئولیت جزائی استثنائاتی پذیرفته شده است. بر این اساس، قاعده اقتضاء می‌کند که انگیزه، تأثیر مثبت یا منفی در مسئولیت کیفری نداشته باشد؛ یعنی انگیزه پست مادی و به تنهایی سبب نمی‌شود که مسئولیت کیفری به وجود آید، همانگونه که انگیزه خیرخواهانه موجب سلب مسئولیت کیفری نخواهد بود، که البته معمولاً در بحث انگیزه، شق دوم موردنظر است زیرا انگیزه شرافتمندانه و خیرخواهانه این شبهه را ایجاد می‌کند که مسئولیت کیفری زایل می‌شود یا با تخفیف مجازات روبرو شود. این استثنائات در عناوین مختلفی قابل ملاحظه است مانند قتل با اعتقاد به مهدورالدم بودن مقتول (زراعت، ۱۳۸۳: ۱۶).

بسیاری از قواعدی که در حقوق موضوعه کیفری با عناوین خاصی همچون عذر قانونی، دفاع مشروع، اضطرار، اطاعت از امر قانونی و ... شناخته می‌شوند در حقیقت به مسئله انگیزه مربوط می‌شوند.

## ۵- جایگاه نظریه تقصیر در حقوق موضوعه ایران

گرچه در فقه، بایی که بصورت مستقیم به مسئولیت بپردازد وجود ندارد لیکن بصورت موردی هر جا که لازم باشد ترک فعل یا انجام یک فعل را که باعث ورود خسارت به دیگری گردد، تقصیر تلقی کرده‌اند و گاهی هم بصورت تعدی و تفریط آن را ذکر کرده‌اند. برای مثال گفته شده است امین مسئول نمی‌باشد مگر اینکه تعدی و تفریط نماید. همچنین است در مورد عقد عاریه و اجاره وکالت. بررسی موارد ارائه شده در کتب فقهی در زمینه تقصیر نشان می‌دهد که ملاک تمییز تقصیر، عرف است و در حقوق اسلام در این زمینه به عرف تکیه شده است (اصغری، ۱۳۸۵: ۱۵)؛ اما با این حال در قانون مدنی ایران در ماده (۹۵۳) خود تقصیر را شامل تعدی و تفریط می‌داند. بدین معنی که ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است تفریط نامیده می‌شود و تعدی عبارت است از تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف نسبت به مال یا حق دیگری. برپایه تعریف قانونی مذکور، تقصیر در برگزیده تخلف از تعهد و التزام قانونی یا قراردادی و یا تجاوز یک شخص به حقوق شخصی دیگری برخلاف متعارف است در اینجا بعنوان مثال قانون مراکش نیز بیان می‌دارد که تقصیر شرط اساسی احراز مسئولیت مدنی است. این شرط بواسطه تفاوت در وجوه نقض التزام ارتكابی توسط بدهکار، بعنوان تحول مهمی شناخته شده است. قانونگذار مراکشی در فصل ۲۶۳ ق.ل.ع، به دو وجه آن تصریح کرده و در آن آمده است که: «جبران خسارت یا به دلیل عدم ایفای التزام و یا به دلیل تأخیر در انجام آن است»، اما فقط به این محدود نمی‌شود، بلکه اشکال دیگری نیز وجود دارد که در آنها تقصیر محرز می‌شود. مثلاً: فروشنده کالایی معیوب را به مشتری تحویل می‌دهد، در حالیکه قبلاً از وجود آن عیب اطلاع داشته است. تقصیر به دو نوع عمدی و غیرعمدی تقسیم می‌شود. تقصیر غیرعمدی برحسب درجه شدت و تأثیر تقسیم می‌گردد، که بصورت تقصیر سنگین، تقصیر سبک و تقصیر ناچیز نشان داده می‌شود. این همان دیدگاه فقه سنتی است در این راستا می‌توان به رویه‌های قضایی در فرانسه از سال ۱۹۳۸ استناد نمود که بیان می‌کند شبه تقصیر سنگین را به تقصیر عمدی تشبیه کرده است تا در مواردی که به تقصیر سنگین مربوط می‌شود، شرایط تعیین شده یا معاف شده را از مسئولیت کنار بگذارد (الشرقاوی، ۲۰۱۵: ۳۱۷)؛ اما فقه و حقوق فرانسه در ارائه کردن تعریف دیگری از تقصیر براساس تمایز بین التزامات بوسیله و التزامات به نتیجه و هدف برتری داشته است. التزامات به نتیجه، مانند مسئولیت متصدی حمل و نقل با دستمزد است، که این مسئولیت زمانی است که نتیجه حاصل نشود؛ اما التزام بوسیله، مانند مسئولیت پزشکی است که التزام در اینجا، توجه و مراقبت‌های لازم و موردنیاز زمینه پزشکی است.

اما دیدگاه غالب در فقه معاصر به رد این تمایز به دلیل عدم اهمیت آن اعتقاد دارد. بنابراین، تقصیر هرچه که باشد، چیزی جزء دلیل بر مطرح شدن مسئله قراردادی نیست، خواه این تقصیر سنگین و یا حدودی سنگین باشد، و خواه مربوط به تقصیرات سبک ناشی از سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی باشد (العرعاری، ۲۰۱۵: ۴۱).

بنابراین براساس مطالب مطرح شده در فوق می‌توان بیان داشت که تقصیر عبارت است از عمل خلاف حق که یک شخص نسبت به شخص دیگری انجام می‌دهد. بنابراین هرگاه شخصی در اعمال و رفتار خود احتیاط معمول و مرسوم در جامعه را رعایت نکند یا از مقررات تخلف کند و موجب زیان دیگری شود، مسئول و مقصر شناخته می‌شود و ملزم است که از عهده جبران زیان وارد شده برآید. بطور مثال، راننده‌ای که از مقررات راهنمایی و رانندگی تخلف می‌کند و موجب حادثه‌ای می‌شود که منجر به خسارت اشخاص دیگری می‌شود مقصر است و باید زیان وارد شده را جبران کند. بنابراین نظریه زیان‌دیده وقتی می‌تواند به حق خود برسد که ثابت کند عامل زیان مرتکب تقصیر و خطائی شده و زیان وارد بر او نتیجه مستقیم تقصیر عامل زیان است. عامل زیان نیز برای رفع مسئولیت خود می‌تواند ثابت کند که زیان وارد شده در نتیجه تقصیر و خطای زیان‌دیده یا بر اثر قوه قاهره بوده است. طبق این نظریه ارتکاب تقصیر و خطا شرط اصلی مسئولیت مدنی است. براساس این نظریه، همانطور که اشاره شد مسئولیت مدنی صرفاً در صورتی قابل طرح و انتساب است که وارد کننده خسارت در انجام عمل خسارت‌بار و زیان‌آور، مرتکب تقصیری شده باشد. ملاک در این مسئولیت سنجش اخلاقی رفتار مباشر خسارت است که اگر از نظر اجتماع، انحراف و تجاوز از رفتاری باشد که برای حفظ حقوق دیگران لازم است، وی ملزم به ترمیم خسارت است و اگر از نظر اخلاقی رفتار وی عاری از سرزنش باشد، ضمانی به عهده او نیست. برطبق نظریه تقصیر تنها دلیلی که می‌تواند مسئولیت کسی را ۷۱ نسبت به جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علیت بین تقصیر او و ضرر وارده است. تئوری تقصیر، خود برمبنای دیگری استوار است؛ و آن این است که اندیشه جبران خسارت از آرمان‌های کهن اخلاقی و انسانیت است. اخلاق به انسان می‌آموزد که خسارت ناشی از گناه باید جبران شود و توبه زمانی انسان خاطی را آسوده خاطر می‌کند که زیان‌های ناشی از کار خود را جبران کند. بعبارت دیگر تنها دلیلی که می‌تواند مسئولیت کسی را نسبت به جبران خسارتی توجیه کند وجود رابطه علیت بین تقصیر و ضرر وارده است و غرض از تقصیر در مسئولیت مدنی آن اشتباهی در رفتار است که چنانچه شخص محتاطی در همان شرایط خارجی قرار داشت آن را مرتکب نمی‌شد و خسارتی وارد نمی‌ساخت. صفایی معتقد است که قانون مسئولیت مدنی در ماده اول خود بطور صریح اصل تقصیر را پذیرفته است و تفاوتی بین اتلاف و تسبیب نگذاشته است ولی در توجیه این نظریه که در این قانون بکار رفته است می‌گوید: این نظریه انسانی‌تر، اخلاقی‌تر و منصفانه‌تر است زیرا اخلاق و انصاف حکم می‌کند که فقط کسی را مسئول بشناسیم که در اثر تخطی از ضوابط و معیارهای اجتماعی زبانی به بار آورده باشد (صفایی، ۱۳۸۴: ۲۹۹). برمبنای این نظر برای اینکه زیان‌دیده بتواند جبران خسارت خود را بخواهد باید ثابت کند که ضرر وارده ناشی از تقصیر غیر بوده است و اثبات این برعهده خواهان است بررسی مطالب فوق تا حدودی بحث مسئولیت ناشی از نظریه تقصیر در حقوق ایران را

نشان داده است. بررسی بحث تقصیر در اعمال مسئولیت مجازات در هر جامعه‌ای متناسب با تغییرات در اوضاع و احوال آن جامعه قانونگذار مبادرت به وضع قوانین و اجرای آنها می‌نماید تا بتواند نظم و امنیت حقوقی در آن جامعه را فراهم آورد از جمله این قوانین می‌توان به قوانین مسئولیت مدنی و کیفری در جهت حمایت از متضررین از جرم و جنایت در راستای تأمین حقوقی مادی و معنوی آنها است (کهتری، ۱۳۹۵). از این رو می‌توان بیان داشت که مسئولیت مدنی و کیفری قاعدتاً نهادی است که برای جبران خسارت و تسکین آلام زیان‌دیده در حوزه خسارات مادی و معنوی طرح و تصویب شده است. این مسئله خود نشان دهنده این موضوع است که مسئولیت مدنی خود تنظیم‌کننده جنبه‌های مختلف زندگی اشخاصی است که منافع آنها بصورت مداوم در حال تلاقی و تعارض با یکدیگر است. قواعد مسئولیت مدنی نیز برای انتظام و تعادل بخشیدن به منافع متعارض اشخاص مورد قبول شارعان و واضعان قرار گرفته است. لذا، اگر هدف اساسی قواعد مبتنی بر مسئولیت را جبران خسارات نامتعارف زیان‌دیده و جلوگیری از ورود اینگونه خسارات قلمداد نمائیم. این قواعد در ابتدا باید نسبت به کارگزاران مملکت و شخصیت حقوقی دولت که در مواردی ممکن است به ناحق و نابجا موجبات ورود ضرر به اشخاص خصوصی شود، اعمال گردد تا از جهتی عموم مردم با مشاهده اعمال قواعد مسئولیت مدنی نسبت به شخصیت‌های درجه اول کشور و همچنین مسئولیت دولت فرهنگ احترام به حقوق مادی و معنوی در جامعه نهادینه گردد. از طرف دیگر، امنیت اموال اشخاص موجب استمرار و سرمایه‌گذار بیشتر و مطمئن‌تر در جامعه می‌شود که عواید آن اشتغال، امنیت اقتصادی، رونق داخلی و آرامش بیشتر مردم را در پی خواهد داشت (باریکلو، ۱۳۸۷)؛ اما برخلاف قانون موضوعه این مسئله در قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «خطای جزائی» مطرح شده است که عبارتست از رفتاری مبتنی بر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، غفلت و سهل‌انگاری که نتیجه آن اعمال مجازات برای مرتکب آن است و بیشتر در جرائم غیرعمدی قابل تصور است هرچند در جرائم عمدی نیز می‌توان از نوعی خطای کیفری عمدی بحث کرد. تقصیر یا خطای کیفری، عنصر روانی جرائمی است که اصطلاحاً غیرعمدی نامیده می‌شوند و به موجب ماده (۳۳۶) قانون مجازات اسلامی، در تمام موارد مذکور، فاعل در تحصیل نتیجه فعل ارتكابی به هیچ وجه عامد نیست ولی ترتب نتیجه بر فعل به حدی محتمل است که انجام دادن فعل یا در مواردی احتراز از آن لازم است مثلاً راننده اتومبیلی که بر اثر بی‌توجهی به خط‌عابر پیاده، رهگذر را سرنگون و به هلاکت می‌رساند یا کارگر صنعت نفت بر اثر اهمال، مواد منفجره یا آتش‌زا را نزدیک دستگاه تصفیه یا مخازن نفت برنمی‌دارد در نتیجه باعث آتش‌سوزی و تلف نفوس آدمی می‌شود در هر دو مثال خطا چه بصورت بی‌احتیاطی و چه بصورت بی‌مبالاتی علت مستقیم نتیجه مجرمانه است مقنن خطا را تعریف نکرده و تنها به ذکر موارد و مصادیق آن بسنده کرده است. در مواردی از قانون مجازات اسلامی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی و عدم مهارت راننده سخن به میان آورده موادی چون: تبصره ۳ بند ج ماده (۲۹۵) - (۳۳۶)



– (۶۱۶)– (۷۱۴). بررسی موارد فوق نسان می‌دهد که توجه به خطای جزائی می‌تواند بسیار موضوعی مهم در راستای تحقق حقوق زیان دیده و در گام بعد استقرار نظم و امنیت حقوقی در جامعه واقع گردد.

### نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری از مقاله می‌توان بیان داشت که مبنای مسئولیت مدنی در ایران به نظر می‌رسد که عمدتاً براساس «عنصر تقصیر» است در حالیکه در دیگر مدل‌های حقوقی مبنای مسئولیت مدنی دولت «عنصر خطر» است. اهمیت این موضوع در این است که مطابق نظریه خطر، فعالیت‌های دولت، افراد یا هر شخص و نهادی، حتی اگر هم بدون تقصیر انجام پذیرد، می‌تواند موجب خطر باشد هرگاه فعالیت خطرساز یا خطرناکی انجام گیرد و در این میان اشخاص متضرر شوند، دولت که به آن فعالیت مبادرت نموده مسئول جبران خسارت وارد به افراد خواهد بود، حتی اگر نهایت مراقبت و دقت را در انجام عمل خود نموده باشد، چراکه نفع حاصل از آن فعالیت به وی باز می‌گردد. بدین ترتیب حتی دولت بدون ارتکاب هیچگونه تقصیری باید از عهده خسارت برآید. مبنای نظریه خطر، به نظر می‌رسد که وجدان اجتماعی باشد در حالیکه در حقوق ایران در مسئولیت قهری تقصیر شرط ایجاد مسئولیت است و براین اساس زیان دیده باید اولاً زیان وارد بر خود ثانیاً ارتکاب تقصیر از سوی عامل زیان و ثالثاً رابطه سببیت میان آن دو را به اثبات برساند، حال آنکه در ۷۳ مسئولیت قراردادی صرف عدم انجام تعهد اماره بر ارتکاب تقصیر و از این حیث نیاز به اثبات ندارد. لذا از زوایه دیگر نیز می‌توان استدلال نمود که گرچه در گذشته در حقوق روم (و نظام قدیم کامن‌لا و حقوق قدیم فرانسه که متأثر از حقوق روم بودند)، تقصیر زیان‌دیده یا دخالت او در ورود زیان، موجب محرومیت او از مطالبه خسارت می‌شد ولی در حال حاضر، تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی جهان، تقصیر زیان‌دیده رافع مسئولیت عامل زیان نیست و موجب محرومیت کامل زیان‌دیده از دریافت خسارت نمی‌شود بلکه برحسب مورد، موجب کاهش مسئولیت عامل زیان می‌شود. این دیدگاه در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران نیز قابل پذیرش است.

گرچه مثال‌های مصادیق قاعده اقدام در فقه، زیان‌دیده را از دریافت هر نوع خسارتی محروم می‌کند، این بدین دلیل است که در این موارد، تقصیر یا اقدام زیان‌دیده علت اصلی و منحصر زیان وارده بوده است؛ بنابراین، اگر ثابت شود که زیان ایجاد شده به لحاظ قواعد سببیت، قابل انتساب به هریک از زیان‌دیده و عامل زیان است، هر دوی آنها مسئول خسارت وارده می‌باشند و به میزان مسئولیت زیان دیده، از میزان عامل زیان کاسته می‌شود؛ به همین ترتیب، اگر ثابت شود که به‌رغم ارتکاب تقصیر از ناحیه زیان‌دیده، تقصیر عامل زیان علت اصلی و منحصر خسارت وارده است، او مسئول جبران خسارت است و تقصیر زیان‌دیده تأثیری بر

مسئولیت او ندارد اما چالش زمانی خود را نشان می‌دهد که توجه کنیم در قانون برخی از کشورهای خارجی همچون مصر و فرانسه دامنه عملکرد فرض تقصیر وسیع‌تر از حقوق داخلی ما می‌باشد (البته در صورتی که مصادیق ذکر شده را که در آنها فاعل زیان تنها با اثبات فورس ماژور می‌تواند از مسئولیت مبری شود جزء مصادیق فرض تقصیر در نظر بگیریم) چراکه قانونگذار ایران با احتیاط بیشتری در خصوص پذیرش این فرض عمل نموده است و به نظر می‌رسد قانونگذار نخواستار آن است که بر اصل کلی اثبات تقصیر توسط زیان دیده استثناهای بی‌شمار قائل شود.

### پیشنهادات

- ۱) پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه مبنای مسئولیت در ایران براساس نظریه تقصیر است در این راستا به نقش نظریه فرض تقصیر و نظریه خطر در بحث جبران خسارات توجه جدی شود.
- ۲) پیشنهاد می‌شود تا با بهره‌گیری از تجربیات نظام حقوقی کشور انگلیس، فرانسه و رویه‌های قضایی موجود در آن و همچنین با بهره‌گیری از نظام دیه، تعزیر و اختیارات وسیع ولی فقیه نسبت به وضع یک نظام جبران ضرر سیال کارآمد در حقوق ایران اقدام شود.

### فهرست منابع

فارسی:

- ۱- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، چ ۱، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، چ ۱، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- ۳- اصغری، شهرام (۱۳۸۵)، «تأثیر میزان تقصیر در مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، ش ۲.
- ۴- باریکلو، علی (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، چ ۲، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدعلی (۱۳۸۱)، دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- زراعت، عباس (۱۳۸۳)، «انگیزه و تأثیر آن در مسئولیت مدنی»، مجله دادرسی، ش ۴۸.
- ۷- صفایی، سیدحسین و همکاران (۱۳۸۴)، حقوق بیع بین‌الملل با مطالعه تطبیقی، چ ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- کهتری، هدایت (۱۳۹۵)، «جایگاه تقصیر در ضمان حقوقی و کیفری ناشی از تعیین و اجرای مجازات شدیدتر از قانون و حکم»، سومین همایش ملی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.
- ۹- مرادی، امیر (۱۳۹۰)، «تقصیر کیفری در قلمرو قوانین و دکترین ایران»، مجله قضاوت، ش ۷۲.
- ۱۰- یکرنگی، محمد و عالی‌پور، حسن (۱۳۹۳)، «معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ش ۲.

۱۱- منتهی نژاد، صادق (۱۳۸۶)، «معیارهای سنجش بی‌مبالاتی؛ معیار شخصی یا نوعی»، *مجله حقوق پزشکی*، ش ۵.

عربی:

۱۲- الشرفاوی، عبدالرحمان (۲۰۱۵)، *القانون المدني دراسة حديثة للنظرية العامة للالتزامات على ضوء تأثيرها بالمفاهيم الجديدة للقانون الاقتصادي الكتاب الأول مصادر الالتزام*، الجزء الثاني: الواقعة القانونية، الطبعة الأولى.

۱۳- العرعاري، عبدالقادر (۲۰۱۵)، *مصادر الالتزام الكتاب الثاني المسؤولية المدنية*، الطبعة الرابعة.

لاتین:

- 14- Altunyaliz, Z (2021). Addressing issues of criminal and civil liability in the context of climate change. Council of Europe. Retrieved from: [https://assembly.coe.int/LifeRay/JUR/Pdf/TextesProvisoires/2021/20210518\\_ClimateChangeLiability-EN.pdf](https://assembly.coe.int/LifeRay/JUR/Pdf/TextesProvisoires/2021/20210518_ClimateChangeLiability-EN.pdf).
- 15- Aronson, M (2008). "Government liability in negligence". *Melbourne University Law Review*, 32(1), 44-82.
- 16- Benhamou, et al (2020). Artificial Intelligence & Damages: Assessing Liability and Calculating the Damages, submitted to as a book chapter: *Leading Legal Disruption: Artificial Intelligence and a Toolkit for Lawyers and the Law*, P. D'Agostino, et al, p. 4.
- 17- Borghetti, J. S & Whittaker, S (2019). *French Civil Liability in Comparative Perspective*. Bloomsbury Publishing.
- 18- Brossolet, J and Jaegy and Daniele, L (2019). Responsabilité civile et intelligence artificielle, Atelier clinique juridique, Available: [http://www2.droit.univ-paris5.fr/atelier\\_clinique\\_juridique/wp-content/uploads/2019/07/Intelligence-artificielle-Brossolet-Daniele-Jaegy-VDEF.pdf](http://www2.droit.univ-paris5.fr/atelier_clinique_juridique/wp-content/uploads/2019/07/Intelligence-artificielle-Brossolet-Daniele-Jaegy-VDEF.pdf)
- 19- Crabtree, J (2019). What Is Civil Liability? John Heath Insurance Brokers. Retrieved from: <https://www.johnheath.com/2019/04/24/what-is-civil-liability/>
- 20- Findlaw (2019). What are the Elements of Negligence? Retrieved from: <https://www.findlaw.com/injury/accident-injury-law/proving-fault-what-is-negligence.html>
- 21- Gatica Rodríguez, M. P (2017). Fault-based and strict liability in the law of neighbours. Retrieved from: <https://ethos.bl.uk/OrderDetails.do?uin=uk.bl.ethos.735998>
- 22- Goldberg, J. C., & Zipursky, B. C (2016). "The strict liability in fault and the fault in strict liability". *Fordham L. Rev.*, 85, 743.
- 23- Hayes, G. and LLC, L (2015). A LOOK BACK AT THE ORIGINS OF NEGLIGENCE LAW. Retrieved from:

<https://www.goldsteinhayeslaw.com/blog/2015/august/a-look-back-at-the-origins-of-negligence-law/>

24- Raff, M (2015). “The importance of reforming civil law in formerly socialist legal systems”. *International Comparative Jurisprudence*, 1(1), 24-32.

25- Ross, D. L (2018). *Civil liability in criminal justice*. Routledge.

Costache, M (2015). “The “Restrictive” Nature of Civil Liability for the Acts of Minors or those under Judicial Interdiction”. *EIRP Proceedings*, 10.

26- Taylor, S (2015). *Differing cultures of civil liability. Medical Accident Liability and Redress in English and French Law*. Cambridge University Press, Cambridge.

27- van Dongen, E. G & Verdam, H. P (2016). “The development of the concept of contributory negligence in civil and common law. A comparison”. *Hungarian Journal of Legal Studies*, 57(3), 324-347.

